

شیوه‌های فرزند پروری

شیوه‌های گوناگون تربیت فرزند موجب بروز رفتارهای متفاوت در میان کودکان و نوجوانان می‌شود. به بیان دیگر رفتارهای کودکان و نوجوانان بشدت تحت تأثیر شیوه‌های والدینی حاکم بر خانواده قرار دارد. از این رو سه شیوه مهم فرزندپروری در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

خدیجه سادات غنی آبادی



شیوه‌های گوناگون فرزندپروری موجب رفتارهای متفاوتی در میان کودکان و نوجوانان است. والدینی که به طور مستمر کودکان و نوجوانان خود را مورد حمایت قرار می‌دهند، با آنان گرم و صمیمی هستند و کنترل منطقی و متعادلی را اعمال می‌کنند، در فرزندانشان خود اشتیاق ابراز رفتارهای اجتماعی قابل قبول را ایجاد می‌کنند و نیز زمینه مساعد برای بروز توانایی‌ها و قابلیت‌های کودکان و نوجوانان خود را فراهم می‌آورند. برعکس والدین محدود کننده و طردکننده با محدود ساختن شایستگی‌های کودکان خود آنان را از به آزمایش در آوردن توانمندی‌هایشان محروم می‌کنند؛ با گذشت زمان این گروه از کودکان و نوجوانان کم‌کم به این باور می‌رسند که بدون کمک والدین نمی‌توانند با موضوعات و مسائل زندگی به طریق صحیح و مؤثر رو به رو شوند.

گروه از والدین از روش " به من ارتباطی نداره " استفاده می‌کنند تا جایی که کودکان و نوجوانان در تصمیم‌گیری‌ها آزادی بیشتری از والدین دارند.

این گروه از والدین رفتارهای فرزند خود را در دوره کودکی به گونه صحیح کنترل نمی‌کنند، در نتیجه در دوره نوجوانی و جوانی از درونی ساختن اخلاقیات و ارزشها در آنان عاجز می‌مانند و در تربیت جوانان مستقل و خود رهبر در مانده می‌شوند. این گروه از والدین بسیار دیر دست به کار می‌شوند و تنها در دوره جوانی اقدام به کنترل جوانان، برای به نظم در آوردن رفتارهایشان می‌کنند، دوره‌ای که مداخله‌های دیر وقت والدین و اختلاف ایجاد شده، جوانان را به سوی کزروی‌های اجتماعی و انحرافات اخلاقی سوق می‌دهد.

چنین باوری در آنان احساس ترس و اضطراب به وجود می‌آورد.

والدینی که مقررات سخت و انعطاف‌ناپذیری وضع می‌کنند، اگرچه کودکان خوب کنترل شده‌ای را تربیت می‌کنند، اما زمینه مناسب برای رشد کودکان و نوجوانان سلطه‌پذیر، وابسته یا سرکش را نیز فراهم می‌آورند. فقدان گرمی، صمیمیت و حمایت والدینی توأم با کنترل قهرآمیز و یا فقدان کنترل، به رفتارهای مشکل‌آفرین منجر می‌شود.

با توجه به اینکه رفتارهای کودکان و نوجوانان به شدت تحت تأثیر شیوه‌های والدینی حاکم بر خانواده است، سه شیوه مهم فرزندپروری را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۱- والدین آسان‌گیر

این گروه از والدین در برابر خواست‌ها و اعمال کودکان خود همواره موافق و پذیرنده هستند. والدین آسان‌گیر از کنترل کودکان خود پرهیز می‌کنند و اشتیاقی ندارند که آنها از رفتارهای قابل قبول و معیارهای تعریف شده گروه‌های مختلف یا جامعه اطاعت کنند. این گروه از والدین اگرچه سعی می‌کنند در موقعیت‌های گوناگون و به هنگام برخورد با کودکان و نوجوانان خود دلیل و خرد را به کار گیرند، اما نه تنها تلاش جدی در انجام این مهم از خود نشان نمی‌دهند، بلکه رفتارهای خلاف و غیرمسئولانه، تلاش‌هایشان را خنثی می‌کند. به‌طور کلی این قبیل والدین نسبت به اعمال کودکان و نوجوانان خود هیچ واکنشی نشان نمی‌دهند و از این رو طیف وسیعی از رفتارهای متفاوت در محیط خانواده تحمل می‌شود. این

والدین آسان‌گیر کودکان و جوانانی پرورش می‌دهند که:

الف - از روبه رو شدن با مشکلات پرهیز می‌کنند.

ب - کمتر به والدین خود اعتماد و اطمینان دارند و در نتیجه از ارزش‌های آنان تبعیت نمی‌کنند.

ج - در برقراری ارتباط صمیمانه و دیرپا ناموفق هستند.

د - غیرمسئول هستند و در پاسخ به انجام وظایف روزمره زندگی احساس مسئولیت نمی‌کنند.

ه - بی‌بندوبار هستند و به تجربه‌های جنسی زودرس و به مصرف مواد مخدر روی می‌آورند.

۲- والدین قدرت طلب

این گروه از والدین سعی می‌کنند رفتارها و نگرش‌های کودکان خود را با توجه به معیارهای رفتاری معین شکل داده، کنترل و ارزیابی کنند. والدین قدرت طلب کودکان را به اطاعت تشویق می‌کنند و به منظور گردن نهادن به معیارهای معین شده، استفاده از شیوه‌های مختلف تنبیه را ترجیح می‌دهند. این گروه از والدین از شرح دلایل رفتار و تصمیم‌گیری‌های خود پرهیز می‌کنند و در نتیجه به کنترل از نوع قهری درباره کودکان و نوجوانان خود قائلند.

این گروه از والدین اعتقادی به گفت‌وگو میان والدین و فرزندان ندارند و معتقدند که همیشه والدین حق دارند، صحیح می‌گویند و درست عمل می‌کنند. این گروه از والدین هرگز اجازه نمی‌دهند کودکان و نوجوانان نظریات خود را در زمینه رفتارهای والدین و یا تنظیم رفتارهای خود بیان کنند.

والدین قدرت طلب کودکان و نوجوانانی پرورش می‌دهند که:

الف - سرکش و طغیان‌گر هستند.
ب - سطوح بالایی از کمرویی و اضطراب را تجربه می‌کنند.

ج - احساس بی‌کفایتی و حقارت می‌کنند.
د - هیچ موافقت و سازشی با ارزش‌ها و خواست‌های والدین خود ندارند.

ه - از گزینش هدف‌های منطقی و قابل دسترس عاجز هستند.

۳- والدین آزادمش

این گروه از والدین تلاش می‌کنند کودکان خود را به طریق منطقی راهنمایی کنند. والدین آزادمش "گفت‌وگوی" دو جانبه میان خود و

کودکان را تشویق می‌کنند و دلایل نحوه تصمیم‌گیری‌های خود را با آنان در میان می‌گذارند.

اگرچه در صورت لزوم والدین آزادمش کنترل شدید را اعمال می‌کنند، اما این کنترل به میزانی نیست که منجر به ایجاد شکاف میان نظریات والدین و فرزندان گردد. در این صورت کنترل شدید آن‌قدر محدودکننده نیست که مانع بروز و رشد توانایی‌ها و شایستگی‌های آنان شود.

این گروه از والدین شیوه‌های ملایم‌تر تنبیه (طرد و تنبیه بدنی به طور کلی مورد نظر نیست) را به کار می‌گیرند تا بتوانند بدون اشکال و فوت وقت به بازسازی احساسات و عواطف جریحه‌دار شده میان والدین و فرزندان پردازند.

آن دسته از شیوه‌های کنترل که مورد استفاده والدین آزادمش قرار می‌گیرد، موجب سازگاری مسئولانه با رعایت معیارهای گروه می‌گردد. اعمال این شیوه‌ها هرگز مانع خودمختاری و یا فرصت ابراز خود نمی‌شود.



طالب استقلال و اجرای آن هستند و میل دارند بدون کنترل و سرپرستی والدین امور مربوط به خود را انجام دهند، دوره‌ای بحرانی نامیده شده، اما تحقیقات نشان می‌دهد که دوره جوانی به عنوان مرحله‌ای از رشد، حتماً یک دوره آشفستگی و پریشانی همراه با تعارضات میان والدین و جوانان نیست. در بسیاری از خانواده‌ها جوانی یک دوره آرام و برکنار از تعارضات و تنش‌های میان والدین و جوانان است. به طور کلی والدینی که شیوه‌های آزادمنشانه را در تعلیم و تربیت فرزندان خود مورد توجه قرار می‌دهند و آن را به کار می‌گیرند:

- الف) ارتباط بهتری با جوانان خود دارند.
 ب) عواطف و احساسات مثبتی از جوانان خود دریافت می‌کنند.
 ج) بیشتر از والدین آسان‌گیر و قدرت طلب مورد اعتماد و اطمینان جوانان خود هستند.
 د) الگوی دلخواه و مورد نظر جوانان خود می‌باشند.
 خلاصه اینکه آسان‌گیری و رفتار قهرآمیز، جوانان را از رشد سالم و برقراری ارتباط دوستانه میان والدین و جوانان دور می‌سازد، در حالی که کنترل و رفتارهای متعادل و استدلال کننده به رشد سالم و برقراری ارتباط صحیح و دوستانه میان والدین و فرزندان کمک می‌کند.

این گروه از والدین، کودکان و نوجوانان را به مشارکت فعال در بحث‌های مربوط به رفتار خود دعوت و تشویق می‌کنند، اگرچه حق اتخاذ تصمیم‌نهایی را همیشه برای خود محفوظ می‌دارند.

این گروه از والدین همواره قواعد و محدودیت‌های وضع شده از جانب خود و دلایل تصمیم‌گیری‌های اتخاذ شده را توضیح می‌دهند.

والدین آزادمنش کودکان و نوجوانانی پرورش می‌دهند که:

الف - مایل به همانندسازی با والدین خود هستند.

ب - متکی به خود هستند و موقعیت‌های اقتدارآمیز و نافذ را به راحتی می‌پذیرند و در آن موقعیت‌ها به خوبی انجام وظیفه می‌کنند.

ج - در زمان بازگو کردن نظریات و تصمیم‌های خود و به هنگام ظاهر شدن در جمع، از سطح اطمینان بالایی برخوردارند.

د - حالت دفاعی ندارند و چنانچه رفتارهایشان مورد ارزشیابی و حتی انتقاد قرار گیرد حساسیت زیادی از خود نشان نمی‌دهند.

ه - دارای احساس ارزش مثبت هستند که پایه و اساس زندگی سالم روانی است.

اگرچه دوره جوانی به این دلیل که جوانان

منابع:

- ۱- پاول، هنری ماسن و دیگران: رشد و شخصیت کودکان، ترجمه مهشید یاسایی، چاپ سعدی، ۱۳۷۰

2- BRADSHAW, JOHN E. (1988). BRADSHAW ON : THE FAMILY. PUBLISHED BY HEALTH COMMUNICATION, INC .